



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**مقایسه عالم مثال شیخ شهاب الدین
سهروردی و حکیم صدر المتألهین شیرازی**

:

:

:

شیر محمدی

۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

تقديم به آستان منور عابده بيت النور، مريم آل محمد (ﷺ)، كريمه اهل
بيت حضرت فاطمه معصومه (عليها السلام)

تشکر و تقدیر

- با تشکر فراوان و ویژه از جناب حجت الاسلام و المسلمین سید یدالله یزدان پناه که با راهنمایی‌های ارزنده خود، راهگشای من در تدوین این رساله بودند و سپاس فراوان از جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدمهدی گرجیان که ضمن مشاوره، منابع ارزشمند خود را بی دریغ در اختیار اینجانب قرار دادند.

- با تقدیر و سپاس از پدر و مادرم و تمامی کسانیکه مرا در راه دانش‌آموزیم یاری داده‌اند.

- با تشکر فراوان از همسرم که علاوه بر تشویق و حمایت مستمر در امر تحصیل، تدوین این رساله جز با بزرگواری و همکاری ایشان مقدور نبود.

چکیده

عالم مثال یا عالم برزخ یکی از عوالم موجود در هستی است که از زمان افلاطون تا به اکنون در مورد آن به بحث و اثبات و استدلال پرداخته‌اند. جناب حکیم سهروردی از جمله کسانی است که برای اثبات مستقل این عالم به استدلال پرداخته و چهار دلیل بر وجود عالم مثال اقامه می‌کند و آنرا توضیح می‌دهد. اما مکتب مشاء به دو دلیل منکر عالم مثال بوده که بعدها جناب صدرالمتهلین به جواب آنها پرداخته است.

مکتب حکمت متعالیه که از دو چشمه فلسفه و عرفان سرچشمه گرفته است. و این دو مکتب یعنی فلسفه پس از سهروردی و عرفان پس از ابن عربی نیز به وجود عالم مثال اذعان داشته‌اند هر چند عرفا مهمترین دلیل خویش بر وجود آنرا کشف و شهود می‌دانند، ملاحظه در نهایت قوت و شدت با شهود عرفا و دلایل فلاسفه به تبیین عالم مثال پرداخته است و علاوه بر پذیرش چهار دلیل شیخ اشراق خود نیز سه دلیل بر آنها افزوده است. و کمبودهایی و نقائصی که در کار سهروردی بوده برطرف ساخته است.

ولی در راستای توضیح و تبیین عالم مثال با شیخ اشراق اختلافاتی نیز دارد که مهمترین اختلاف آن‌دو در بحث تجرد قوه خیال و تقسیم عالم مثال به منفصل و متصل می‌باشد که شیخ اشراق به تبعیت از فلسفه مشاء قائل به مادی بودن قوه خیال می‌باشد. و عالم مثال را تنها با عالم مثال منفصل تبیین می‌کند ولی صدرالمتهلین تجرد برزخی قوه خیال را به اثبات می‌رساند. و عالم مثال را همانند عرفا به دو قسم، متصل و منفصل تقسیم می‌نماید. و آنرا در دو قوس نزول و صعود به بحث می‌گذارد. و با تجرد قوه خیال و اثبات قوس صعودی برزخ، معاد جسمانی را به نحو احسن به تصویر می‌کشد. و آنچه را که شرع در تثبیت معاد جسمانی و روحانی فرموده را با بیان استوار خود اثبات می‌کند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	مقدمه
۴	بیان مسئله
۴	هدف و اهمیت موضوع عالم مثال
۵	سابقه پژوهش
۶	سؤال اصلی پژوهش
۶	سؤالات فرعی پژوهش
۷	فرضیه پژوهش
۷	اهداف پژوهش
۷	روش پژوهش
۸	فصل اول: کلیات
۹	گفتار اول: سهروردی و فلسفه اشراق
۱۲	گفتار دوم: صدر المتألهین و حکمت متعالیه
۱۵	گفتار سوم: مفاهیم
۱۵	عالم
۱۵	عالم مثال
۱۵	برزخ

نور:	۱۶
مثل معلقه:	۱۶
عالم اشباح مجردة:	۱۶
گفتار چهارم: مبانی و مبادی بحث	۱۷
گفتار پنجم: عالم مثال و جایگاه آن در مباحث هستی شناسی	۲۰
۱. خیر اعلی:	۲۰
۲. مُثُل	۲۰
۳. صور واسطه:	۲۰
۴. اشیاء محسوس:	۲۰
۵. تصاویر و سایه ها:	۲۱
۱. محرک اول:	۲۱
۲. عالم علوی:	۲۱
۳. عالم سفلی:	۲۱
۱. واجب الوجود:	۲۲
۲. عقول:	۲۲
۳. افلاک:	۲۲
۴. عالم تحت القمر:	۲۲
نتیجه:	۲۴
فصل دوم: عالم مثال از دیدگاه سهروردی	۲۶
گفتار اول: اثبات عالم مثال	۲۷
استدلال اول	۲۷
استدلال دوم	۲۸
استدلال سوم	۳۲

نتیجه :	۳۶
استدلال چهارم	۳۶
گفتار دوم: مثال متصل و منفصل	۴۰
گفتار سوم: هویت عالم مثال	۴۲
گفتار چهارم: مجرد بودن عالم مثال	۴۴
گفتار پنجم: قوه خیال	۴۷
نتیجه	۴۸
گفتار ششم: مظاهر صور معلقه	۴۹
گفتار هفتم: فرق مثل معلقه و مثل افلاطونی	۵۳
گفتار هشتم: سود جستن سپهروردی از عالم مثال	۵۵
فصل سوم: عالم مثال از دیدگاه صدرا	۶۲
گفتار اول: اثبات عالم مثال توسط صدر المتألهین	۶۳
گفتار دوم: خیال متصل و منفصل	۷۱
گفتار سوم: هویت عالم مثال از دیدگاه صدرا	۷۶
گفتار چهارم: ادله‌ی تجرد برزخی قوه‌ی خیال	۷۹
گفتار پنجم: عالم مثال نزولی و صعودی	۸۹
گفتار ششم: ایرادهای صدرا بر شیخ اشراق در باب عالم مثال	۹۲
گفتار هفتم: سود جستن ملاصدرا از بحث عالم مثال	۹۴
خاتمه	۱۰۰
منابع و مأخذ	۱۰۶
الف - کتابها	۱۰۷
ب- مقالات	۱۰۹

مقدمه

مقدمه

خداوند را حمد مخصوص سزاست، که بر بندگان و مخلوقات خویش منت گذاشته و راههای سعادت را نمایان کرده، که هر کس طالب فیض باشد نوری به او رسیده و موجب خوشبختی او در هر دوسرا خواهد شد. و درود بی کران بر خاتم انبیاء حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و جانشینان بر حق او ائمه اطهار (علیهم السلام).

انسان هرگاه به درون خویش متوجه شده خود را در دو بُعد جسمانی و روحانی پیدا کرده است. که حضرت حق شمه ای از روح خویش را در کالبد او دمیده، تا انسان جانشین خدا بر روی زمین باشد. اما افراد انسانی بعضی اوقات چنان مشغول به محسوسات می شوند، که بُعد روحانی را به فراموشی سپرده و تمام حیات خویش را در یک جنبه مادی جستجو کرده و در پی لذائد زودگذر آن هستند. ولی با دقت بر احوال خویشتن به راحتی می توان دریافت که لذائذ وجود دارد که در آن لحظات، انسان فقط به فکر بقاء آنها و اتصال دائمی برقرار کردن با آنهاست. در برخی اوقات صداهای زیبا و چهره های درخشان و نغمه های مستی و شادی آوری به گوش و چشم او می رسد که تمام لذائد محسوسات و مادی را به فراموشی می سپارد. بلکه انسان با اندکی کم کردن شواعل حسی و تحمل ریاضت شرعی و کم کردن خواب و خوراک و عمل نمودن به دستورات شرع به عالمی دیگر راه پیدا می کند، که آنرا عالم مثال نامیده اند. همان عالمی که واسطه ی بین مجردات و مادیات است این عالم در سیر نزول و صعود که انسان در دایره ی هستی خویش طی می کند، قرار گرفته و فیوضات از جانب حضرت حق بعد از گذشتن از این عالم به انسان می رسد. انسان نیز بعد از گذراندن آن به اصل خویش بر می گردد.

موضوع این پایان نامه راجع به وجود این عالم ودلائل اثبات ونحوه وجود آن از نظر دو فیلسوف بزرگ اسلامی، جناب شیخ شهید شهاب الدین سهروردی و جناب حکیم صدر المتألهین شیرازی می باشد، که اولی آنرا به عرصه ظهور کشانده و دیگری آنرا پرورش داده و به اوج رسانده است.

امیدوارم که نسیم نوری از جانب حضرت احدیت بر قلب تاریک بنده حقیر یوزد تا وارد آن عالم شده و در کنار حصول، حضور خویش را داشته باشم. انشاء الله.

محسن شیر محمدی ۲۵ / ۱۲ / ۸۷

بیان مسئله

عالم مثال یکی از عوالم موجودهست که فلاسفه و عرفابه آن تصریح کرده، اما شیخ اشراق آنرا به صورت جدی مطرح کرده و دلایلی را برای اثبات آن ذکر کرده است. که در این پژوهش چهار دلیل اثباتی شیخ که در کتب خویش بیان داشته است، مطرح و جایگاه این عالم در فلسفه اشراق ذکر خواهد شد. در مقابل فلسفه مشاء عالم مثال را بسان عالم مستقل در بین عوالم نپذیرفته و دلایلی را برای انکار و محال بودن عالم مثال ذکر می‌کنند. ولی حکمت متعالیه وجود این عالم و دلایل شیخ اشراق را پذیرفته است، و علاوه بر قبول دلایل مکتب اشراق خود نیز در جهت اثبات آن کوشیده و دلایلی را ذکر کرده است. اما در راستای بیان جوانب عالم مثال و بررسی دیدگاه شیخ اشراق اختلافاتی با وی پیدا می‌کند، و بعد از بیان اختلاف بین خود و شیخ، به طور مفصل و گسترده آنرا به عرصه کشانده و آنرا مورد مذاقه خویش قرار می‌دهد، و آنرا به دو جانب نزول و صعود و منفصل و متصل تقسیم می‌نماید. که سعی خواهد شد، دلایل ملاصدرا بر مبنای دیدگاه شیخ اشراق تشریح گردیده و سپس به مواردیکه ملاصدرا از وجود این عالم استفاده کرده و فلسفه خویش را به اوج نهایی رسانده و به قول خودش خیلی از لطایف وارده در روایات را با لطافت خاصی مقبول همگان و عقلا کرده است، پرداخته شود.

هدف و اهمیت موضوع عالم مثال

عالم مثال یا برزخ یکی از عوالم موجود است که فلاسفه و عرفابه وجود آن اذعان دارند، و در مقوله مراتب هستی در بین مباحث هستی‌شناسی، این عالم را بعنوان عالم واسطه‌ی بین مجردات و جسمانیات مطرح کرده‌اند. هدف این نوشتار تحقیق پیرامون عالم مثال است، یعنی

نظریه ای که پس از شیخ اشراق به طور جدی و عمیق مطرح شده و با مثل افلاطونی متفاوت بوده و احکام مخصوص به خود دارد، و بعد از آن حکمت متعالیه متصدی آن گشته و علمامعاصر نیز راجع به آن به بحث پرداخته‌اند، و در رد و اثبات این عالم مطالبی را ذیل این عنوان و نیز در توضیح کتب گذشتگان نگاشته‌اند اهمیت عالم مثال بسیار بوده و طلیعه نظرگاهی است که به سرنوشت بشر پس از مرگ گشوده می‌شود، نقش عملی عالم مثال بر سه گونه است:

۱. رستخیز قیامت در آن انجام می‌گیرد چه آنجا محل اجسام لطیف می‌باشد.
۲. رمزها و کلیه مثالها که از طرف پیامبران مصورشده، همچنین تمام تجارب شهودی بوسیله وجود آن عالم واقعیت می‌یابد.
۳. بوسیله این عالم وسیط می‌توان اختلاف بین فلسفه و الهیات، بین دانستن و پنداشتن، بین مثال و تاریخ را حل کرد. با توجه به این عالم واسطه دیگر نمایدین برتری فلسفه یا رجحان مستحکم الهیات یکی را انتخاب کرد، چرا که با پذیرش عالم مثال و توضیحات جناب صدراخیلی از میناها آسان و مشکلات حل گشته و بسیاری از مطالب سخت وارده در زبان شرع و لطایف احادیث امامان معصومین علیهم السلام به آسانی قابل فهم خواهد شد. انشاءالله

سابقه پژوهش

اصل وجودی عالم مثال را از جناب افلاطون می‌توان پی گرفت که به صورت نظام مند در بحث مراتب هستی به آن اشاره کرده و فلاسفه بعد از ایشان نیز راجع به آن باب گفتگو را باز دیده و در نفی و اثبات عالم مثال سخن رانده‌اند. تا اینکه سهروردی به طور جدی و مشخص توجه خود را به عالم مثال معطوف داشته و به طریق شهودی و هم به طریق استدلال در کشف حقیقت و اثبات آن گام برداشته است، و بعد از فلسفه اشراق در حکمت متعالیه صدرا المتألهین با طول و تفسیر بیشتری به آن پرداخته است. استاد سید جلال الدین آشتیانی در شرحهای خود بر کتب فلسفی و عرفانی عالم مثال را از دیدگاه فلاسفه و عرفا مطرح نموده است.

اساتید و دانشجویان و پویندگان علم نیز به این مسئله پرداخته، مستقل و یاد رضمن مباحث دیگر در این زمینه قلم زده اند. بعنوان مثال دکتر مسعود امید و دکتر همایون همتی که بانوشتن مقالات مختلف به این مسئله پرداخته اند، این مقالات به عالم مثال از دیدگاه شیخ اشراق پرداخته اند. در مقالات و پایان نامه های دیگری نیز که البته مباحث عمده آنها را جمع به معاد بوده، عالم مثال را نیز مطرح کرده اند. اما کتاب یا مقاله یا پایان نامه ای که به طور مستقل به عالم مثال ملاحظه را پرداخته باشد، یادیدگاه این دو فیلسوف بزرگ را مورد بررسی مقایسه ای قرار داده باشد بنده مشاهده نکردم. لیکن گفته شده است که اخیراً رساله ای به این منظور دفاع شده است.

سؤال اصلی پژوهش

وجوه تشابه و اختلاف بین جناب سهروردی و جناب صدر المتألهین در باب عالم مثال

چیست؟

سؤالات فرعی پژوهش

۱. ماهیت عالم مثال از منظر شیخ اشراق و صدر اچگونه است؟
۲. آیا قوه خیال در نزد سهروردی و صدر امر مادی است یا مجرد؟
۳. دلایل شیخ اشراق بر وجود عالم مثال چیست؟
۴. آیا جناب ملا صدرا اصل عالم مثال و دلایل شیخ اشراق را می پذیرد؟
۵. جناب صدر اچه دلایلی برای اثبات عالم مثال اقامه نموده است؟
۶. جایگاه عالم مثال طبق نظر دو فیلسوف در سلسله مراتب هستی کجاست؟
۷. آیا عالم مثال هویت نوری دارد؟
۸. مثال متصل و منفصل کدامند؟
۹. سهروردی از عالم مثال در چه مباحثی بهره گرفته است؟
۱۰. ملا صدرا در چه مباحث عمده ای از عالم مثال سود جستته است؟

فرضیه پژوهش

به نظرمی رسد ملاصدرا درعین آنکه از دیدگاههای سهروردی سودجسته است ولی در بحثهایی از سهروردی فاصله گرفته و تفاوتهایی به چشم می خورد. ملاصدرا نقایص کارسهروردی رادرزمینه عالم مثال برطرف کرده است.

اهداف پژوهش

امروزه یکی از مشکلات مهم اعتقادی مسئله معاد جسمانی و بحث های مربوط به آن می باشد، و باز مسائلی مانند تجسم اعمال، محشورشدن برحسب نیات انسانی، کیفیت تبدیل پوست و جایگزینی آن در عذاب اخروی، چگونگی طبیعت ثانیه شدن عذاب برای بعضی از گنهکاران همه این مسائل و نظایر آن بانندک تأملی بعد از قبول عالم مثال خصوصا باافاضات صدرالمتألهین برای هر پوینده راه حقیقت هویداشده، و ظاهر خیلی از آیات و روایات نیز زیباتر و جالب تر می شود.

روش پژوهش

روش پژوهش و کتابخانه ای و توصیفی و تحلیلی است.

فصل اول:

کلیات

گفتار اول: سهروردی و فلسفه اشراق

شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرک ابوالفتوح سهروردی که لقب شیخ اشراق و شیخ مقتول را نیز گرفته است، در روستای سهرورد از توابع استان زنجان در سال ۵۴۹ به دنیا آمد^۱.

سهروردی در عنفوان جوانی به مراغه رفت و در آنجا در محضر مجدالدین جیلی تحصیل حکمت کرد، آنگاه به اصفهان سفر کرد و فلسفه رانزد ظهیرالدین قاری آموخت، وی برای دیدار با مشایخ صوفی به سرزمینهای اسلامی سفر کرد و در ضمن خود را به زهد و ریاضت مشغول میداشت و اوقات زیادی را در اعتکاف می گذراند. طی گذار از آسیای صغیر و سوریه سهروردی در یکی از سفرهایش از دمشق به حلب با ملک ظاهر پسر صلاح الدین ایوبی مشهور دیدار کرد که ملک ظاهر به وی علاقه مند شد و او را نزد خویش نگهداشت. سهروردی در ضمن مباحثی اندیشه های حکما و درستی آن اندیشه ها را روشن و نظر مخالفان حکما را تضعیف کرد، که باعث دشمنی اطرافیان ملک ظاهر با وی شد و از ملک ظاهر خواستند تا وی را به اتهام داشتن اعتقاد به اندیشه های ضد دینی به هلاکت برساند، وقتی ملک ظاهر امتناع کرد فقها عریضه ای امضا کرده و پیش صلاح الدین فرستادند، چون صلاح الدین تازه سوریه را از صلیبیون گرفته بود و نیاز به تأیید علماداشت به پسرش دستور داد که سهروردی را به قتل برساند. ملک ظاهر از سرب میلی در سال ۵۸۷ در ۳۸ سالگی^۲ به روایات مختلفی که در باب نحوه قتل وی هست، او را کشت. لکن دقیق معلوم نیست که آیا سهروردی شماری از طالبان علم را تربیت کرد یا نه، اما آنچه که مشخص هست وی حلقه ای از دوستان و مصاحبان نزدیک داشته که بنابه خواهش آنان کتاب

۱- برخی از مورخین تولد وی را در سال ۵۵۰ و بعضی دیگر سال ۵۴۵ نوشته اند.

۲- طبق نظر برخی قتل وی در سال ۵۸۶ در ۳۷ سالگی بوده است.

حکمة الاشراق را تألیف کرد که در اواخر کتاب از آنان به عنوان اخوان یادمی کند.

سهروردی خودبارها به سرچشمه های تاریخی باستانی حکمت اشراق در چهار کتاب اصلی ساختمان یافته و فلسفی خود یعنی تلویحات، مقاومات، مشارع و مطارحات و حکمت الاشراق اشاره کرده و چهارگروه از حکما و شخصیت های باستانی رادر پرورش و گسترش آن سهیم دانسته است.

اول: سرچشمه های یونانی که با طبقه ای از فلاسفه یونان چون فیثاغورث و انبازقلس آغاز می گردد و در شخص افلاطون الهی صاحب الایدوالنوربه اوج می رسد.
دوم: سرچشمه ای که آغازش باهرمس والدالحکما است و نزد گروهی از هرامسه ادامه پیدامی کند.

سوم: از مهمترین سرچشمه های این حکمت حکمای فهلوانی هستند.

چهارم: سرچشمه هندی که توسط گروهی از برهمنان گسترده می شود.

سهروردی حاصل آنچه را که به اورسیده این گونه بیان می کند:

۱. خمیره حکمت فیثاغوریان.

۲. خمیره حکمت خسروانی که از طریق شخصیت های اساطیری ایران دست به دست

می گردد

۳. از آمیزش انوار حکمت فیثاغوریان، انبازقلس و افلاطون الهی و انوار حکمت ایرانیان

از جانب شرق و از جانب غرب مایه ای فراهم می آید که سهروردی راهدایت کرده و اوراد جهت ایجاد علم الانوار و فقه الانوار یاری داده است.^۱

سهروردی به حکمت و جهان بینی ژرفی که میراث اقوام پیش از او و در بردارنده اندیشه ها، الهامها و حکمت های چندین بزرگمرد بوده، ساختمانی فلسفی و سازگارداد، و در این راه افزون بر کشف و شهود از روش های برهانی اصل متعارفی ارسطویی بهره برد، و توانست نظامی اصیل

۱- حکمة الاشراق، ص ۱۰ و المطارحات، ص ۵۰۳.

بناکند. او آنچه را که خود حکمت بحثی صرف می نامد. یعنی فلسفه مشاء را که تنهاتکیه براستدلال دارد والهام و مکاشفه و مشاهده و حدس فلسفی را نادیده می گیرد، با حکمت ذوقی که برعکس باریاضات و مشاهده سروکار دارد به گونه ای هماهنگ در آمیخت.

و از آن دستگاہ منسجم علمی ساخت که علم الانوار نامیده شده است. وی ساختمان فلسفه خویش را بر مبنای نور و ظلمت چیده و مراتب هستی را بعد از مشخص نمودن اوج آن که نور محض و نور الانوار است، وابسته به درجه قرب آنها به نور الانوار می داند و عالم بعد از آن را به چهار بخش تقسیم کرده است:

۱. عالم عقول محض یا امهات که انوار قاهره است.
 ۲. عالم نفوس و فرمانروای جسم که عالم انوار اسفهدی است.
 ۳. اجسام مرکب از کرات آسمانی و عناصر زمینی که عالم برازخ و ظلمات است.
 ۴. عالم مثال یا واسطه معقول و محسوس که عالم اشباح مجرد است.
- در این پایان نامه بر آن هستم که با دیدگاه این مرد حکیم راجع به عالم مثال و نیز بیانات و شارحان بر کتب او بیشتر آشنا بشویم.

گفتار دوم: صدر المتألهین و حکمت متعالیه

صدرالدین محمدقوامی شیرازی تنها فرزندپسر خانواده ای بزرگ و سرشناس بود که در شیراز همواره در مناصب دیوانی و درباری کار می کردند، و به دیانت و مذهب و فضل و احسان و نیکوکاری شهرت داشتند. سال تولد صدر المتألهین رامی توان سال ۹۷۹ هجری قمری دانست.^۱ صدرالدین تمام آنچه را که در دوره ما به آن سطح می گویند، مانند یک دوره فقه ساده نیمه استدلالی و حداقل یک دوره علم اصول فقه و یک دوره منطق و علم کلام که در آن زمان بسیار شایع بوده است و حکمت مشایی، همراه با تفسیر قرآن و درس علم الحدیث و درایت الحدیث و نیز آشنایی با علم رجال و تاریخ این علوم را در شیراز و در دوره نوجوانی خود تحصیل کرده است. وی سپس به قزوین و از آنجا در سال ۱۰۰۶ با انتقال پایتخت به اصفهان به آنجا آمد و از حوزه درس بزرگانی همچون شیخ بهاءالدین عاملی و میر محمد باقر میرداماد استفاده فراوان برد. دوره دوم زندگی جناب صدرا دوره ریاضت و تزکیه نفس در کهک بود، که در طی این دوره تقریباً خود را به طور کامل وقف زندگی معنوی کرد. اما کتاب های اندکی نیز تألیف نمود از جمله بخش اول اسفار، صراط الکوینین یارسالة الحشر، حدوث العالم.

دوره سوم دوره بازگشت به زندگی اجتماعی در شیراز که الله وردیخان مسجد {مدرسه} بزرگ برای تدریس وی مهیا کرد و شاه عباس نیز از او برای تدریس در زادگاهش دعوت به عمل آورد. مدرسه خان به یمن برکت صدرا چنان رونق گرفت که طلاب را از دور و نزدیک به خود جذب کرد. ملا صدرا خود را در طول این دوره وقف تألیف و تدریس کرد و بقیه آثارش را نوشت و تمامی شاگردان مشهورش همچون ملا محسن فیض کاشانی و عبدالرزاق لاهیجی را تربیت کرد.^۲

۱- اوائل سال ۹۸۰ نیز ذکر شده است.

۲- سید حسین نصر، صدر المتألهین شیرازی و حکمت متعالیه، ص ۶۴.